**نوشتن وصیّت نامه**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " قد فرض لكلّ نفس كتاب الوصيّة وله أن يزيّن رأسه بالاسم الأعظم ويعترف فيه بوحدانيّة الله في مظهر ظهوره ويذكر فيه ما أراد من المعروف ليشهد له في عوالم الأمر والخلق ويكون له كنزا عند ربّه الحافظ الأمين " (كتاب اقدس – بند 109)

2 – " سؤال : آيا شخص می تواند در کتاب وصيّت از اموال خود چيزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خيريّه صرف شود به غير اداء حقوق اللّه و حقوق ناس يا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض اللّه به ورّاث ميرسد.

جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفّق شود و همچنين حقّ النّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصيّت بنويسد و اقرار و اعتراف نمايد مقبول بوده و هست. قد أذن اللّه له بأن يفعل فيما ملّکه اللّه کيف يشآء. "

(رساله سؤال و جواب، 69)

3 - " سوال ديگر آنجناب آيا نفسی مختار است در مال خود با بودن ذرّيّه و ساير وَرَثَة ، ترکه و مايملک خود را بديگری و يا بيک نفر از ورثه مصالحه ويا هِبَة نمايد و ساير ورثه را بی بهره کند و يا نميتواند . هَذَا مَا نَزَلَّهُ الْوَهَّابُ فِي الْجَوابِ هر نفسی در مال خود مختار است يَفْعَلُ فِيْهِ کَيْفَ يَشَاءُ . تا حکم عقل براو صادق اختيار از او سلب نه . هَذَا ما حَکَمَ بِهِ اللّهُ "

(ص ١١٤گنجينه حدود و احکام)

و در جواب سؤال مشابه ديگری ميفرمايند :

4 - " هر نفْسی در اموال خود مختار بوده وهست چه اگر اختيار منع شود عزّ وجود محو گردد در يک مقام عزّت عباد باموال بوده و هست " (ص ٢٠٩ ج ٤ امر و خلق )



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " امّا مسأله ميراث . اين تقسيم در صورتيست که شخص متوفّی وصيّتی ننمايد آنوقت اين تقسيم جاری گردد ولی هر نفْسی مکلّف بر وصيّت است بلکه فرض و واجب است و صريح نصوص الهيّه است که در حالت صحّت خويش بايد حُکماً وصيّت نمايد وبحسب ميل خودش هر نوعی که بخواهد وصيّت کند و آن وصيّتنامه را مختوم بدارد وبعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد. در اين صورت شخص متوفّی ميدانی وسيع دارد که در زمان حيات خود بهر قسمی که ميل دارد وصيّت نمايد تا مجری شود وعَلَيْکُمَا الْبَهاءُ اْلاَبهی " (ص ٣٧٢ ج ٣ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

2 - " انسان مختار مطلق است و هر قسم بخواهد بموجب وصيّت نامه اموال را در ايّام خويش بين ورّاث تقسيم مينمايد و توزيع ميکند که بعد از او مجری گردد . وصيّت فرض بر کلّ است يعنی هر نفْسی بايد در ايّام حيات خويش وصيّتی محکم و متين و صريح بنويسد و ممهور و مستور نمايد و در محلّ بسيار امنی محفوظ دارد و در وصيّت مختار است و وصيّتنامه معمولٌ به ومقدّم بر هر حکمی است و نفْسی مقتدر بر تغيير و تبديل نيست در اينصورت اگر جميع اموال را باولاد خويش دهد مقتدر است . امّا اگر نفْسی اطاعت امر نکند ووصيّتنامه ننويسد و اين تکليف الهی را مخالفت نمايد و يا آنکه وصيّتنامه از ميان برود اموال او بر حسب اَسْهَام مفروضه تقسيم شود وفی الحقيقه اين حُکم مبرم اعظم حکمتش اينست که نفسی بی وصيّتنامه نفَس نکشد. ملاحظه ميفرمائيد که از جهت عدم وصيتنامه ميراث بتمامها بر خلاف رضای مُوَرِّث توزيع و تقيسم و تفريق ميشود و چه مشکلاتی و منازعاتی حاصل گردد ولی وصيّتنامه قاطع هر نزاعی و سبب راحت کلّ زيرا انسان بحسب آرزو و خواهش خويش وصيّت مينمايد. چقدر خوش است که اموال مَوْرُوْثه تماما برضا و آرزومندی مُوِرِّث تقسيم شود و توزيع گردد. ملاحظه کنيد که بسيار نفوس قبل از وفات از ممات خويش چقدر مضطربند حال اين حکم الهی يعنی فرضيّت و وجوب وصيّت نامه قبل از فوت حلّ جميع اين مشکلات گردد " (ص ١١- ٢٠٩ ج ٤ امر و خلق)

3 - " اين مسأله وصيّتنامه احبّا را بسيار اهميّت بدهيد که از الآن اهميّتش ظاهر و عيان شود تا دستور العمل بجهت آينده گردد " (ص ٢٠٦ ج ٤ امر و خلق)



**حضرت ولی امر الله:**

١- راجع بوصيّتنامه ،خود افراد نفوس در اين خصوص مختارند و بر محفل روحانی تأييد و اجرای آن واجب در صورتيکه مخالف مصالح امريّه چيزی در آن نباشد " (ص ١١٦ گنجينه حدود و احکام)



**بیت العدل:**

1 – " احکام مربوط به ارث فقط در صورتی مجری می گردد که شخص متوفّی وصيّت نامه بجا نگذاشته باشد . در کتاب مستطاب اقدس (بند ١٠٩) امر به نوشتن وصيّت نامه نازل گشته است . در جای ديگر صريحاً می فرمايند که هر فردی بر ما يملک خود اختيار تامّ دارد و آزاد است هر طور اراده نمايد وصيّت کند که ارث او بين هر کس ، خواه بهائی يا غير بهائی ، تقسيم شود (سؤال و جواب ، فقره ٦٩). در توقيعی که حسب الامر حضرت وليّ امراللّه صادر شده توضيحات ذيل مندرج است : گر چه احبّاء مجازند در وصيّت نامه ما يملک خويش را به اراده خود تقسيم نمايند، امّا اخلاقاً و وجداناً موظّفند که در نوشتن وصيّت نامه دستور جمال مبارک را در مورد اثرات ثروت در جامعه هميشه در نظر گرفته و آن را مراعات نمايند و از جمع مال به حدّ افراط و تمرکز آن در بين افرادی معدود و يا گروه هائی محدود اجتناب نمايند . (ترجمه) آيه مذکور در کتاب اقدس مقدّمه قسمت مفصّلی است که در طيّ آن جمال قدم جزئيّات احکام ارث را تشريح می فرمايند . در مطالعه اين قسمت بايد در نظر داشت که گرچه چنين بر می آيد که اين حکم در موردی است که شخص متوفّی مرد باشد ولی فی الجمله احکام مزبور در مورد زنان متوفّی نيز قابل اجرا است . اصول احکام ارث که طبق آن دارائی شخص متوفّی بين هفت طبقه ( اولاد ، همسر ، پدر ، مادر ، برادران ، خواهران و معلّمين ) تقسيم می شود بر پايه احکامی استوار است که حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بيان نازل فرموده‌اند . تفاصيل عمده احکام ارث ، در صورت فقدان وصيّت نامه ،از اين قرار است

-١در صورتی که شخص متوفّی ذرّيه داشته و ماترک او شامل خانه مسکونی نيز باشد ، خانه مسکونی به پسر ارشد می رسد (سؤال و جواب فقره ٣٤).

-٢در صورتی که شخص متوفّی فرزند ذکور نداشته باشد ، دو ثلث خانه مسکونی به ذرّيه دختر و ثلث ديگر به بيت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ٤١ و ٧٢). در باره اينکه در اين مقام مراد بيت العدل اعظم يا بيت العدل محلّی است به يادداشت شماره ٤٢ مراجعه شود . (به يادداشت شماره ٤٤ نيز مراجعه شود.)

-٣ما بقی دارائی شخص متوفّی بين هفت طبقه ورّاث تقسيم می شود . جزئيّات مربوط به سهم هر گروه در رساله \*(سؤال و جواب )\* ، فقره ٥ و جزوه \*(تلخيص و تدوين حدود و احکام)\* ، قسمت د ، ١-٣-٣- مندرج است .

-٤در صورتی که تعداد ورّاث موجود در هر طبقه بيش از يک فرد باشد ، سهم آن طبقه بالسّويّه بين آنها ، اعمّ از زن و مرد ، تقسيم می شود .

-٥در صورتی که ذرّيه موجود نباشد ، سهم اولاد به بيت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ٧و ٤١) .

-٦در صورتی که ذرّيه موجود ولی ساير طبقات ورّاث کلّاً يا بعضاً مفقود باشند ، دو ثلث سهام آنان به ذرّيه و ثلث ديگر به بيت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقره ٧).

-٧در صورت فقدان تمام طبقات مصرّحه ، دو ثلث ماترک به خواهرزاده‌ها و برادرزاده های شخص متوفّی می رسد . اگر آنها نيز نباشند سهمشان به عمّه ، خاله ، عمو و دائی راجع می شود و در صورتی که آنها هم حيات نداشته باشند به فرزندانشان می رسد . در هر حال ثلث باقی مانده به بيت العدل راجع است .

-٨در صورتی که همه طبقات فوق الذکر مفقود باشند ، تمام دارائی شخص متوفّی به بيت العدل راجع است .

-٩حضرت بهاءاللّه می فرمايند که نفوس غير مؤمن از والدين يا منسوبين بهائی ارث نمی برند (سؤال و جواب ، فقره ٣٤). حضرت وليّ امراللّه در توقيعی که حسب الامر مبارک مرقوم گشته چنين می فرمايند : اين امر منحصراً محدود به مواردی است که

شخص بهائی بدون وصيّت نامه فوت کند و لا جرم ما ترک او بر طبق کتاب اقدس تقسيم شود . در غير اين صورت فرد بهائی مختار است ما يملک خود را به هر شخصی بدون ملاحظه ديانت ببخشد مشروط بر اينکه وصيّت نامه‌ای تنظيم و نيّت خود را تعيين کرده باشد . بنابراين ملاحظه می کنيد که شخص بهائی همواره می تواند برای زوجه يا اولاد و يا منسوبان غير بهائی خود در وصيّت نامه سهمی منظور دارد . (ترجمه) " (كتاب اقدس – شرح 38)

2 – " طبق تعاليم جمال اقدس ابهی احبّاء به نوشتن وصيّت نامه موظّفند و اختيار دارند که دارائی خود را به ميل خويش تقسيم نمايند (يادداشت شماره ٣٨) . حضرت بهاءاللّه در مورد نوشتن وصيّت نامه می فرمايند : انسان در مال خود مختار است ... قد اذن اللّه له بان يفعل فيما ملّکه اللّه کيف يشآء (سؤال و جواب ، فقره ٦٩) . مقرّراتی که در کتاب مستطاب اقدس جهت توزيع ارث وضع گرديده راجع به مواردی است که وصيّت نامه موجود نباشد (يادداشت های شماره ٤٨-٣٨) "

(كتاب اقدس – شرح 136)

3 – " همان طور که در يادداشت شماره ٣٣ توضيح داده شده ، اسم اعظم الهی به صورتهای مختلف آمده و ريشه همه آنها کلمه " بهاء " است . بهائيان مشرق زمين صدر وصيّت نامه را به عباراتی مانند يا بهاء الأبهی ، بسم اللّه الأبهی ، هو الأبهی مزيّن ساخته و از اين راه حکم کتاب مستطاب اقدس رااجرا نموده‌اند " (كتاب اقدس – شرح 137)

****